

این سند که متن آن در کنگره سیزدهم کومه‌له مطرح و پس از بحث و بررسی با اکثریت نزدیک به اتفاق آراء به تصویب نمایندگان رسیده است، معرف دیدگاه، تاریخچه، اهداف و شیوه‌های عمل حزب کومه‌له کردستان ایران می‌باشد و باید به منزله راهنمای عمل رهبری کومه‌له و کلیه کمیته‌ها و ارگان‌های حزبی و اعضای کومه‌له تلقی شود و مبنای توضیح سیاست‌ها، کار آگاه‌گرانه و آموزش سیاسی قرار گیرد. درعین حال برنامه‌های کومه‌له برای اداره اقتصادی و سیاسی جامعه کردستان بر اساس این اهداف و جهت‌گیری‌ها تنظیم و تدوین خواهد شد.

## حزب کومه‌له کردستان ایران: شناسه و اهداف

### زمینه‌های اجتماعی و سیاسی شکل‌گیری کومه‌له :

کومه‌له در پائیز سال 1348 خورشیدی، و یا به‌طور دقیقتر در پنجم آبان‌ماه آن سال، در شرائط کردستانی، ایرانی و جهانی ویژه‌ای عمدتاً در میان دانشجویان کرد دانشگاه‌ها به عنوان یک سازمان سیاسی چپ پا به عرصه وجود گذاشت و با توجه به شرائط دیکتاتوری و استبداد سلطنتی حاکم در آن دوره که کوچکترین فعالیت سیاسی را برنمی‌تافت، به‌ناگزیر مانند همه تشکلهای سیاسی آن دوره همچون یک سازمان زیرزمینی آغاز به فعالیت کرد. تأسیس کومه‌له در آن برهه زمانی، از یک رشته تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عمیق در جامعه کردستان و ایران نشأت گرفته و از سوی دیگر خود پاسخگوئی به نیازهائی بود که بر اثر این تحولات خلق شده بود. با تشکیل کومه‌له، و سپس با حضور فعال و رهبری‌کننده آن در جریان انقلاب ایران و به دنبال آن در جنبش مقاومت مردمی کردستان و جنبش رهائی‌بخش خلق کرد، مبارزات سیاسی و اجتماعی در کردستان وارد مرحله کاملاً نوینی شد و محتوا و شکل جدیدی به‌خود گرفت.

فرم‌های اقتصادی ابتدای دهه چهل خورشیدی که در رژیم سلطنتی سابق و تحت تأثیر عوامل اقتصادی و سیاسی داخلی و جهانی آن دوره انجام گرفت، تحولات بزرگی را موجب شد و پیامدهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی عمیق و دیرپائی در جامعه ایران به دنبال داشت که انقلاب ایران در سال 1357 یکی از آنها بود. فروریختن پایه‌های نظام فئودالی و اقتصاد بسته همراه با آن و کشیده شدن کامل ایران به بازار جهانی و

نیازهای سرمایه‌داری جهانی که از اوائل دهه چهل خورشیدی آغاز شده و نزدیک به یک دهه و نیم با شدت تمام ادامه داشت، گسترش چشمگیر شهرنشینی و شکل‌گیری وسیع طبقه کارگران مزدی که در کردستان به علت فقدان پروژه‌های عمرانی و صنعتی در این منطقه عمدتاً روانه شهرها و مراکز تولید در نقاط گوناگون کشور می‌شد و خصلت مهاجر داشت، پیدایش قشر وسیع تحصیلکرده و ظهور دانش‌آموزان و دانشجویان به عنوان یک قشر اجتماعی جدید و بیرون آمدن تحصیلات عالی از انحصار معدودی خانواده‌های اشراف و یا طبقات مرفه و نفوذ آن به میان خانواده‌های طبقات متوسط و پائین جامعه و در نتیجه پیدایش یک مکانیسم اجتماعی که جذب و انتقال افکار و فرهنگ جدید جهانی و خواست‌های جدید را به میان جامعه میسر می‌کرد، شکاف برداشتن جامعه سنتی و مناسبات کهن آن، ریزش پدرسالاری و پیدایش نسل جوانی که دیگر به فرهنگ و شیوه زندگی نسل‌های گذشته قناعت نمی‌کرد و سهم خود را از جامعه و جهان می‌طلبید، ورود نسبتاً گسترده زنان به دنیای آموزش و بازار کار و در نتیجه آغاز تغییر نقش سنتی آنان در جامعه، همه این‌ها تغییرات عمیقی در جهان‌بینی، فرهنگ، تلقیات و روحیات اقشار گوناگون جامعه و بویژه کارگران، زنان، جوانان و قشر تحصیلکرده ایجاد کرده و با خود توقعات و خواست‌های اجتماعی جدیدی به همراه آورده بود که نمی‌توانست دیر یا زود در قلمرو سیاست و مبارزه سیاسی بازتاب نیابد.

همه این تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران خود بر بستر دگرگونی‌های عظیم در تولید و تکنولوژی و توسعه اقتصادی و نیز در سیاست و فرهنگ در سطح جهانی رخ می‌داد. گسترش بازار جهانی به اقضا نقاط جهان، رشد شتابان و بی‌وقفه اقتصادی پس از جنگ دوم جهانی طی نزدیک به سه دهه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری که در تاریخ به نام دوره طلایی توسعه سرمایه‌داری شناخته شده است، افزایش دستمزدها و ارتقاء حقوق اقتصادی و اجتماعی کارگران، تثبیت دست‌آوردهای بزرگی همچون بیمه‌های اجتماعی و پزشکی برای همگان، آموزش رایگان، حقوق اتحادیه‌ای، حقوق مادران، کودکان، بیکاران و غیره که در یک کلام در آن دوره به دولت رفاه موسوم بود و از دست‌آوردهای مبارزات کارگری و اجتماعی مترقی بود که با سوسیال دموکراسی جهانی تداعی می‌شد، گسترش وسیع فمینیسم و جنبش حقوق زنان و افزایش عظیم نقش آنان در جامعه، افزایش چشمگیر نقش جوانان در جامعه و کسب درجه بزرگی از استقلال اقتصادی توسط آنان و همراه با آن تغییرات چشمگیری در فرهنگ و شیوه زندگی و موسیقی و ادبیات و نظائر این‌ها، فروپاشی نهائی بقایای نظام استعماری در سطح جهانی، نضج و اعتلای جنبش‌های کارگری، گسترش جنبش‌های رهائی‌بخش در جهان سوم و نهضت‌های ضد جنگ در غرب، سر برآوردن و محبوبیت جنبش‌های چریکی به عنوان بدیل‌هائی در مقابل نظام‌های دیکتاتوری نظامی و پلیسی در آمریکای لاتین و پاره‌ای از کشورهای جهان سوم، پیدایش یک چپ نوین و مستقل از نظام شوروی در اروپا و سپس در جهان که حاضر نبود شوروی و بلوک شرق را به عنوان الگوی سوسیالیسم بپذیرد، شکاف در اردوگاه موسوم به سوسیالیسم بدوا بین چین و شوروی و سپس انشعابات درونی دیگر این اردوگاه، این‌ها تحولاتی جهانی بودند که اثرات خود را بر افکار و

رفتار انسان در سراسر جهان و بر روشنفکران و فعالان سیاسی آن دوره ایران و کردستان و از جمله کادرهای بنیانگذار کومه‌له باقی می‌گذاشت.

تحولات یادشده در جامعه ایران با توجه به تشدید استبداد و انسداد سیاسی از سوی نظام حاکم، موجب تغییرات اساسی در مفاهیم و روش‌های مبارزه سیاسی و در ترکیب و آرایش اپوزیسیون سیاسی در ایران شد. نیروهای سنتی میدان سیاست در ایران، تحت تأثیر این تحولات و رادیکالیسم جدیدی که در صحنه سیاسی کشور ظاهر می‌شد، بتدریج از نفوذشان کاسته شده و به حاشیه رفتند و جای آنان را نیروهای سیاسی نوینی گرفتند. این نیروها و عناصر نوین عمدتاً مرکب از دانشجویان و قشر تحصیلکرده بودند که در سازمان‌های جدید و محافل و گروه‌های پراکنده فراوانی متشکل می‌شدند و در اکثر موارد تحت فشار شدید استبداد و افزایش اختناق و زندان و شکنجه قادر به حفظ ادامه‌کاری چندان طولانی هم نبوده و معمولاً از ارتباط ارگانیک و گسترده با کارگران و اقشار پائینی جامعه هم برخوردار نبودند. اپوزیسیون ایران در این دوره، به جای شخصیت‌های سرشناس جبهه ملی و حزب توده و یا روحانیت، عمدتاً از جوانان انقلابی تشکیل می‌شد که هر نوع سازش و گذشت نسبت به رژیم سلطنتی را رد می‌کرده و از راه حل‌های انقلابی، اعم از انقلاب‌های مردمی و یا حرکات چریکی، برای تغییر رژیم حمایت می‌کردند.

این تحرک سیاسی جدید که اساساً زیرزمینی بوده و ادبیات و شعر و فرهنگ زمان خود را نیز تحت تأثیر داده بود، از لحاظ ایدئولوژیک عمدتاً چپ و با رنگ‌آمیزی‌های تند انقلابی بود و بر بستر روایت‌های جهان‌سومی از مارکسیسم و ضدامپریالیسم قرار داشت. نحله‌های فکری سیاسی رائج در جهان طبیعتاً در ایران و منطقه نیز کامیاب‌تر بازتاب می‌یافت. گرچه شوروی هنوز در نظر بسیاری قطب جهانی سوسیالیسم محسوب می‌شد و دنیای غرب نیز همین روایت را معتبر می‌شناخت، اما در آن دوره خود شوروی و سیاست‌های آن به درجات و با عمق‌های مختلف در همه جهان به زیر انتقادات چپ، اعم از چپ مستقل و دموکراسیخواه، چپ چریکی و هم‌چنین مائویسم، رفته بود.

از اوایل دهه پنجاه خورشیدی مذهب به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی نیز، که خود تحت شرائط و گفتمان‌های جهانی و داخلی مورد بحث رادیکالیزه شده بود، در میان روشنفکران و دانشجویان جاذبه و نفوذ و گسترش قابل ملاحظه‌ای پیدا نمود که بعدها اثرات خود را در انقلاب ایران نشان داد و همچون یک جاده صاف‌کن در خدمت عروج سلطه روحانیت ارتجاعی و استبداد مذهبی ولایت فقیه قرار گرفت.

کومه‌له به عنوان یک بازیگر جدید عرصه سیاسی و روشنفکری در کردستان ایران از این تحولات و روندها تأثیر می‌پذیرفت و واکنش نشان می‌داد و در عین حال تأثیر خود را عمیقاً بر نسل جوان آن دوره کردستان برجای می‌گذاشت.

تغییرات منطقه‌ای و کردستانی نیز طی آن سال‌ها کاملاً چشمگیر و تأثیرگذار بود و یکی از سرچشمه‌های فکری و سیاسی مهم شکل‌گیری اولیه کومه‌له را تشکیل می‌دهد. سر برآوردن جنبش کرد در کردستان عراق

در همان اوائل دهه چهل، که به انقلاب ایلول یا سپتامبر معروف شده است، موجب طرح گسترده مسأله کرد و احیا و ارتقاء شعور ملی در بین نسل جوان و توده مردم کردستان در آن سالها شد. سپس تحولاتی که این جنبش طی کرد و شکست تلخ و تراژیک آن در اواسط دهه پنجاه به بازبینی جنبش کرد بر اساس دیدگاههای جدید و به درس‌گیری از آن تجربه میدان داد که به نوبه خود در پخته شدن و انتقادی شدن افکار سیاسی در مورد مسأله کرد در میان فعالان سیاسی و روشنفکران نسل جدید تأثیر بسزائی داشت.

در کردستان ایران، حزب دموکرات، که تا سال‌های چهل خورشیدی نیز تنها حزب سیاسی و عمده‌ترین ظرفی بود که برای مبارزه و اعتراض در کردستان وجود داشت و با مهمترین رویدادهای تا آن دوره کردستان تداعی می‌شد، خود با چالش‌های اجتماعی و سیاسی جدیدی مواجه شده بود. این حزب از یک سو باید از پس هضم و کنار آمدن با مفاهیم و مسائل جدید ناشی از تحولات جهانی، ایرانی و منطقه‌ای برمی‌آمد و از سوی دیگر باید با معضل ارتباط تاریخی تنگاتنگ خود با حزب توده و چگونگی تصفیه حساب با آن دست و پنجه نرم می‌کرد. فقدان یک پاسخ شایسته و یکدست به این مسائل، به سردرگمی‌ها و تنش‌های درونی میدان می‌داد و این حزب را در نظر نسل جدید روشنفکران و مبارزان سیاسی کردستان خود به موضوع واریسی و نقد بدل می‌کرد و به تلاش برای فراتر رفتن از آن، از جمله در درون خود این حزب، میدان می‌داد. ایجاد یک جناح جدید یا تشکل جدید به نام «کمیته انقلابی حزب دموکرات کردستان ایران» در سال 1346، که دیگر حاضر نبود با دیدگاه‌ها و روش‌های سنتی و رهبری سنتی آن ادامه فعالیت دهد، خود نوعی محصول این دوران و تلاشی برای پاسخگوئی به همین ضرورت بود. شکل‌گیری، فعالیت و سپس شکست بعدی این جریان انتقادی و درس‌گیری از تجربه «کمیته انقلابی»، به نوبه خود یکی از سرچشمه‌های تأثیرگذار بر جریانی بود که بعدها به کومه‌له موسوم شد.

به این ترتیب مسأله کرد و جنبش کرد نیز در جامعه و در نزد نسل جوان آن دوره معنا و محتوای جدیدی پیدا می‌کرد. نسل جدید دیگر با نگرش‌های سنتی و راه‌حل‌های سنتی برای این مسأله قانع نمی‌شد. ملی‌گرائی کرد اکنون باید صراحتاً با تأکید برحق تعیین سرنوشت و نیز با محتوای اجتماعی و نظری جدید، با ترقی‌خواهی، دموکراسی‌خواهی، حقوق شهروندان، حقوق زنان و با روش‌های مدرن و غیرسنتی رهبری عجین می‌شد. کومه‌له محمل انتقال این ضرورت و پاسخگوئی شفاف به مسأله ملی از یک زاویه نوگرایانه، ترقی‌خواهانه و دموکراسی‌خواهانه بود.

دهه چهل خورشیدی در کردستان ایران همچنین با شکل‌گیری نوعی خودآگاهی فرهنگی و ادبی جدید، با تولد و اشاعه شعر نو کردی و موجی از داستان‌نویسی سیاسی و اجتماعی جدید به زبان کردی، با افزایش تحرک روشنفکری و سربرآوردن محافل روشنفکری و ادبی که اکثراً رنگ سیاسی تندى نیز داشت توأم بود که به نوبه خود بخشی از زمینه‌های فکری و فرهنگی بعدی کومه‌له را فراهم می‌آوردند.

## دهه فعالیت زیرزمینی :

با وجود دستگیری‌ها و زندان‌های فراوان و تحمل شکنجه‌ها و سختی‌ها در دوره رژیم سلطنتی، کومه‌له از این آزمایش‌ها سربلند بیرون آمد و به رغم ضرباتی که تحمل کرده بود توانست بدنه اصلی کادرهای خود را در سختترین شرایط حفظ کند و به همین دلیل در جریان انقلاب ایران و جنبش کردستان توانست با شبکه‌ای از فعالان آزموده، محبوب و شناخته شده برای مردم وارد جنبش شود و به همین دلیل نیروی سازمانده و رهبری-کننده اصلی تظاهرات‌ها و حرکت‌های مردمی در کردستان در دوره انقلاب ایران را تشکیل می‌داد.

نزدیک به یک دهه فعالیت زیرزمینی که از پنجم آبان‌ماه 1348 تا بیست و ششم بهمن‌ماه 1357 یعنی روز اعلام موجودیت علنی کومه‌له طول کشید، در واقع سال‌های شکل‌گیری جهان‌بینی و نگرش سیاسی و نیز خصلت‌ها و روش‌های مبارزاتی و سازمانی کومه‌له بود. خصوصیات فکری، سیاسی و پراتیکی کومه‌له در آن دوران را می‌توان به‌اختصار چنین بیان کرد:

الف- کومه‌له شوروی را قطب سوسیالیسم و الگوی نظری و عملی خود نمی‌دانست و همین مرزبندی موجب می‌شد که هیچ نوع وابستگی به روایت‌های تئوریک آن قطب نیز نداشته باشد، روایت‌هایی که اساساً در خدمت سیاست خارجی شوروی بوده و بر آن مبنا هر چه را ضدآمریکائی بود مثبت و انقلابی می‌شمردند. ما سوسیالیسم و انقلاب اکتبر را قبول داشتیم ولی نظام پس از آن را نمی‌پذیرفتیم. آنها که به این اردوگاه دلبستگی نظری، و یا مانند حزب توده ایران وابستگی عملی، داشتند، همان طور که در جریان انقلاب ایران دیدیم دچار اشتباهات فاحش و حتی خیانت‌های بزرگ شدند. کومه‌له به آن بخشی از چپ تعلق داشت که چنین نظریه و چنین پراتیکی را نمی‌پذیرفت و یکی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده نظریه سیاسی آن را نقد شوروی و مرزبندی با بازتاب‌های داخلی آن تشکیل می‌داد. تصادفی نبود که سال‌ها بعد در بحبوحه اشغال سفارت و در حالیکه بسیاری آن را نمونه انقلابیگری شمرده و تحت تأثیر شیفتگی عمومی به ستایش و تأیید آن برخاستند، کومه‌له در همان مقطع بدون هیچ ابهامی آن را یک عوامفریبی ارتجاعی نامید که تنها در خدمت تحکیم دیکتاتوری ولایت فقیه، به بیراه بردن جنبش و سردرگم کردن و نهایتاً خرد کردن اپوزیسیون قرار داشت.

ب- کومه‌له به امر انقلاب یعنی ضرورت سرنگونی رژیم شاه اعتقاد داشت ولی خط مشی چریکی را نمی‌پذیرفت. ما بر این عقیده بودیم که انقلاب باید نتیجه رشد و تکامل جنبش‌های توده‌ای و تغییر ذهنیت و تغییر رفتار اجتماعی توده‌های وسیع کارگران و زحمتکشان و توده‌های مردم در اثر تکامل و نضج سیاسی و پراتیکی این جنبش‌ها باشد. یک انقلاب مردمی و تحول‌بخش در واقع رسیدن جنبش‌های اجتماعی و توده‌ای به حد اعلاى انکشاف خود است و نه قدم اول آن. ما عمیقاً به نقش توده‌ها و جنبش‌های اجتماعی بعنوان عامل فعاله

تغییر و تحول اجتماعی باور داشتیم و حرکت‌های چریکی جدا از توده‌ها را کارساز نمی‌دانستیم. احترام و اعتبار انقلابیگری رهبران اولیه جنبش فدائی نزد کومه‌له فراوان بود و بر تأثیر سیاسی عملکرد آن‌ها در نزد دانشجویان و روشنفکران نیز اذعان داشتیم، معه‌ذا تجربه جنبش مسلحانه کردستان ایران در سال 1346-1347 توسط «کمیتة انقلابی» به ما نشان داده بود که یک جنبش چریکی توسط یک گروه پیشاهنگ، حتی اگر این گروه پیشاهنگ فاقد پیوند نزدیک با مردم محل نبوده بلکه مانند جنبش کردستان از پیوند و پشتیبانی مردم هم برخوردار باشند، بدون اینکه توده‌های مردم مستقیماً از طریق جنبش‌های عملی خودشان و از طریق کار سیاسی و سازمانی آماده اقدام و خیزش شده باشند، نهایتاً به پیروزی نخواهد رسید. تجربه کردستان به طور کلی و تجربه جنبش سال 1346-1347 به طور اخص، که برای روشنفکران و مبارزان سیاسی غیرکرد عمده‌تا ناشناخته مانده بود، منبع سرشاری برای درس‌گیری کومه‌له بود و در واقع به ما پختگی و دید تاریخی عمیقتری بخشیده بود.

ج- اعتقاد به نقش محوری جنبش‌های اجتماعی در هر تحول اجتماعی، لزوم شرکت در آن‌ها و پشتیبانی از آن‌ها و تأثیرگذاری در آن‌ها از طریق کار شکیبایانه و دلسوزانه در آن‌ها، باور به نقش توده‌های مردم و ابتکارات مردمی و لزوم حساسیت و احساس مسئولیت در قبال آن‌ها، از بینان‌های فکری و سیاسی کومه‌له و از مشخصات برجسته آن بود. به‌ویژه کومه‌له در آن دوره این پیوندهای مردمی و کار در میان آن‌ها را برای غلبه بر جدائی روشنفکران از مردم و از کارگران، که یکی از معضلات کار سیاسی برای روشنفکران در آن دوره بود، ضروری می‌شمرد. این خصیصه، از همان دوره در میان سازمان‌های سیاسی چپ به کومه‌له ویژگی خاصی بخشیده بود به‌نحوی که در میان زندانیان سیاسی در سال‌های دهه پنجاه خورشیدی، کادرهای کومه‌له به «توده‌ای کار» معروف شده بودند.

د- بها دادن به باورهای فکری و سیاسی محکم که معمولاً از طریق مطالعه همه‌جانبه تاریخی و اجتماعی کردستان، ایران و جهان و بحث و جدل نظری و سیاسی و نیز از طریق فعالیت‌های عملی بارها و بارها محک می‌خورد، پذیرفتن دیسپلین بسیار محکم، همبستگی عمیق درونی، تعهدپذیری، خطرپذیری، قبول مسئولیت، سخت‌کوشی، داشتن روح فداکاری و آمادگی برای گذشت از مزایای زندگی شخصی در مقابل اهداف عالی اجتماعی و سیاسی و حزبی، از مشخصات کومه‌له بودند که تشکیلات ما را در آن دوره سخت، هم در مرزبندی نظری در قبال دیدگاه‌ها و خط‌مشی‌های دیگر و هم در مقابل ضربات پلیسی، حفظ و حراست می‌کرد.

چنین بود که کومه‌له توانست به عنوان یک سازمان سیاسی رزمنده وارد انقلاب ایران و جنبش گسترده کردستان شود.

## کومه‌له در انقلاب ایران و در جنبش کردستان:

دومین مقطع تاریخی مهمی که بر سیر رشد کومه‌له تأثیرات عمیقی گذاشت انقلاب ایران و متعاقباً جنبش بزرگ مقاومت مردمی و رهائی‌بخش کردستان بود که طی آن کومه‌له بر جامعه و جنبش روزگار خود تأثیری نازدودنی باقی گذاشت و در این فرایند خود نیز تحولات بزرگی را از سرگذراند و از یک سازمان فشرده و منضبط اما محدودی از کادرها به یک حزب اجتماعی وسیع تبدیل شد.

کومه‌له با توجه به شبکه کادرها و فعالان خود که در بدنه جامعه داشت و با توجه به اینکه کادرهای آن جدا از تعلق سازمانی خود از شخصیت‌های محبوب مردمی و از زندانیان سیاسی و فعالان سرشناس بودند و با اتکاء بر شبکه نسبتاً وسیع هوادارانی که در میان جوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان، آموزگاران و بخشی از کارگران و نیز زحمتکشان روستائی داشت، توانست از همان ابتدا در سازمان‌دهی تظاهرات‌ها و حرکت‌های مردمی نقش درجه اول بازی کند و در رأس بسیاری از آن حرکت‌ها قرار بگیرد. با استفاده از آزادی تدریجی کادرهای رهبری خود از زندان، قبل از شروع جنبش آزادی‌خواهانه علیه رژیم سلطنتی و از سال 1356، کومه‌له به تجدید سازمان خود پرداخت و توانست با انسجام و سازمان‌دهی محکم‌تری به استقبال رویدادهای بزرگ آتی برود. در ادامه این روند کومه‌له اولین کنگره خود را در پاییز سال 1357 به طور مخفیانه برگزار نمود.

فاصله بین انقلاب ایران تا فرمان لشکرکشی خمینی در 28 مرداد سال 1358 برای کومه‌له دوره گسترده‌ترین سازماندهی‌های مدنی و کار در میان مردم بود. در آن دوره کوتاه مدت برخورداری کردستان از امنیت نسبی قبل از تهاجم جمهوری اسلامی، به ابتکار کومه‌له برای اولین بار اتحادیه‌های دهقانان، تشکل‌های کارگران، زنان، معلمان، دانش‌آموزان، و نیز محافل فرهنگی و ادبی و شعر و نمایشنامه در شهرها و روستاهای کردستان برپا شد و کردستان از یک شکوفائی سیاسی و فرهنگی کم‌نظیر برخوردار گردید. این دوره در عین حال دوره پوست انداختن کومه‌له و رشد و محبوبیت سریع آن در میان مردم و تبدیل آن به یک حزب کاملاً جافتاده اجتماعی آزادیخواه و پیشرو بود که مفاهیم و شعارها و اشکال مبارزاتی جدیدی را به جامعه کردستان ارائه می‌کرد. دفاع از دهقانان در برابر تعرضات بعضاً مسلحانه اربابان و زورگویان سابق و دفاع از حق برخورداری آنان از زمین، دفاع جسورانه از آزادی و برابری زنان و حضور آنان در عرصه‌های گوناگون، دفاع از آزادی‌های سیاسی و آزادی بیان، پیشقدمی در ایجاد و پشتیبانی از نهادهای گوناگون مدنی و صنفی و فرهنگی از جمله تشکل‌های موسوم به «جمعیت»‌ها در شهرها که عمدتاً نیروی رادیکال و جوان شهرها را به خود جلب می‌کرد، دفاع جسورانه از جدائی دین و دولت و نقد حاکمیت اسلامی تازه به دوران رسیده، طرح و ارائه اشکال مبارزاتی مردمی جدید و تا آن موقع بیسابقه، همه این‌ها کومه‌له را به سرعت به حزب نوآور و پرجاذبه جامعه تبدیل کرد.

با فرمان هجوم خمینی به کردستان در بیست و هشتم مرداد سال پنجاه و هشت، فصل جدیدی در تاریخ کردستان آغاز شد و مقاومت همه‌جانبه‌ای در برابر این یورش و تلاش برای حفظ دست‌آوردها و حفظ حیثیت و غرور مردم کردستان آغاز گردید. تهاجم رژیم جمهوری اسلامی به بهانه‌های واهی و عوام‌فریبانه و با تحریک غرائز عقب‌مانده توده‌ها و پخش شایعات دروغ در مورد کردها به راه افتاد، اما در واقع علت اصلی آن عدم تحمل کردستان آزاده و آزادی‌خواه از طرف ارتجاع حاکم بود. کردستانی که در آن از سلطه و هژمونی روحانیت بنیادگرا و از دسته‌های متجاوز و شبه‌فاشیستی حزب‌الله، از آتش زدن سینماها و محل‌های تفریح و از حمله به منازل و مغازه‌های بهائیان، از حجاب اجباری و توسری و اسیدپاشی به زنان، از حمله به نهادهای و شوراهای مردمی و بستن و قدغن کردن مطبوعات مستقل و آزادی‌خواه و از حمله به دانشجویان و سازمان‌های سیاسی خبری نبود، بلکه برعکس در چهارچوب مقدمات خویش به تمام معنی به همه این آزادی‌ها و جنبش‌ها میدان داده بود، کردستانی که از همان ابتدا دارای جنبشی سکولار و دموکراتیک بود، نمی‌توانست از طرف حاکمانی که خواب یک قهقرای هزار و پانصد ساله را برای ایران می‌دیدند و بر ثروت و قدرت کشور چنگ انداخته بودند، تحمل شود. جزیره آزاد کردستان می‌بایست در اقیانوس تحجر و عوام‌فریبی و واپس‌گرایی غرق شود. کردستان قربانی آزادی خود شد چرا که تثبیت حاکمیت ولایت فقیه در ایران از کانال سرکوب کردستان می‌گذشت و بنابراین با آهن و آتش به آن تاختند.

«جنبش مقاومت خلق کرد»، آن طور که در آن دوره نامیده می‌شد، از مقاومت منفی و مدنی و سیاسی گرفته تا مقاومت مسلحانه و پیشمرگانه را دربر می‌گرفت و طرح و نقشه هیچ سازمان یا گروه خاصی نبود، بلکه حرکتی واقعا مردمی و گسترده با شرکت همه اقشار مردم کرد و تجلی اراده ملت کرد برای دفاع از حقوق و آزادی‌ها و کرامت خود بود و هر کسی را که به آن نمی‌پیوست به حاشیه می‌راند و به انزوا می‌کشاند. کومه‌له بیش از هر نیروی سیاسی دیگر الهام‌بخش مقاومت خلق کرد در برابر این تهاجم ناروا و ستمگرانه به کردستان بود و عملا نیز بلافاصله پس از فرمان هجوم خمینی در یک تصمیم استراتژیک و تاریخی، که در بیانیه تاریخی «خلق کرد در بوته آزمایش» منعکس شد، تصمیم به سازماندهی این مقاومت توده‌ای گرفت و خود عملا در رأس مقاومت مردمی قرار گرفت. این مقاومت گسترده و سرسختانه در عرض سه ماه توانست نیروهای مهاجم جمهوری اسلامی را شکست داده و رژیم را ناچار از تن دادن به گفتگو با نمایندگان مردم کردستان نماید. «هیأت نمایندگی خلق کرد»، مرکب از نمایندگان احزاب و شخصیت‌های فعال در جنبش کرد، محصول بالارزش همکاری آن نیروها بود. با وجود تن دردادن اکراه‌آمیز به گفتگو، حاکمان جمهوری اسلامی با تمام قوا مشغول تجدید سازمان و تقویت نیروهای خود به منظور یک تهاجم گسترده دیگر به کردستان بودند و در این ضمن از تفرقه‌اندازی در بین احزاب کرد و تلاش برای تخریب و متلاشی کردن هیأت نمایندگی خلق کرد و ایجاد مذاکرات جداگانه و سازش‌های جداگانه با احزاب دریغ نمی‌کردند.

سرانجام پس از یک وقفه چند ماهه بار دیگر در فروردین ماه سال 1359 تهاجم نظامی وسیع جمهوری اسلامی به کردستان از سر گرفته شد و شهرها و روستاهای کردستان بار دیگر در معرض حملات توپخانه و تانک و نیروی هوایی و زمینی قرار گرفت و مقاومت مردم کردستان نیز بار دیگر صحنه‌های درخشانی از ایستادگی و همبستگی به نمایش گذاشت. پس از چندین سال درگیری خونین و بیرحمانه، سرانجام پاسداران و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی توانستند این سرزمین را اشغال کنند بدون اینکه اراده مردم آن را به زانو درآورده و یا سست کرده باشند. کومه‌له طی این مبارزه و مقاومت سرسختانه و مشروع، بیش از دو هزار تن از بهترین رزمندگان صفوف خود را از دست داد ولی درعین حال از این طریق با نثار خون بهترین کادرها و پیشمرگان خویش عمیقترین پیمان وفا و همبستگی با مردم خود بست و برای همیشه در تاریخ کردستان تثبیت شد.

### **تجربه ناموفق حزب کمونیست ایران:**

کومه‌له، با توجه به تلقیاتی آن روز خود تشکیل حزب کمونیست را جزو اهداف و در راستای آرمان‌های خود داشت، اما این اوضاع و احوال سیاسی بود که چنین عملی را با شتاب در دستور کومه‌له قرار داد. حزب کمونیست ایران در شهریور ماه 1362 در شرائطی تشکیل شد که جمهوری اسلامی برای تثبیت حاکمیت ارتجاعی خود در سراسر ایران حمام خون به راه انداخته بود. فعالان کارگری و نیروهای چپ و دموکرات زیر بیشترین فشار بودند و یکی پس از دیگری دستگیر و متلاشی شده و بسیاری از آن‌ها به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شدند. کومه‌له بر این باور بود که با توجه به نفوذ و پایگاه مردمی وسیع خود در کردستان با تشکیل حزب کمونیست ایران باقیمانده نیروهای چپ و آزادی‌خواه را از پراکندگی و تلاشی بدر خواهد آورد و مبارزه متحد با جمهوری اسلامی را به سرتاسر ایران گسترش خواهد داد. بویژه تصور بر این بود که امواج بعدی انقلاب بزودی بساط حاکمان جمهوری اسلامی را که غاصبان انقلاب شمرده می‌شدند درهم خواهد پیچید و چندان نخواهد پائید که ما با اعتلای نوینی از جنبش انقلابی، اما این بار در قالب مترقی و آزادی‌خواهانه آن، مواجه خواهیم شد. در عین حال بدیهی بود که در این سناریو کومه‌له و جنبش کردستان نیز از وجود یک متحد نیرومند همچون جنبش کارگری و جنبش آزادی‌خواهی در ایران سود برده و از تحمل یکجانبه فشار جمهوری اسلامی خلاص می‌شدند. مشابه این طرز تفکر، ولو بدون صبغه چپ، در تشکیل شورای ملی مقاومت و شرکت برخی از نیروهای کرد در آن نیز وجود داشت.

تجربه نشان داد که باوجود روحیه اخلاص و تلاش‌های صادقانه کومه‌له و صرف هزینه و اختصاص نیروی انسانی به آن، حزب کمونیست ایران هرگز در برآوردن آرزوهائی که دامن زده بود موفق و حتی به آن‌ها نزدیک

نیز نشد و نهایتاً یک پروژه ناکام و شکست خورده از آب درآمد. نظر به وجود توهمات عمیق و پراکندگی بسیار و در غیاب یک آلترناتیو دموکراتیک معتبر، سلطه دیکتاتوری فاشیستی ولایت فقیه بر ایران تحکیم شد و چشم-انداز یک انقلاب یا اعتلای جدید رنگ باخت. جنبش کارگری سرکوب شد، جنبش زنان و دانشجویان با خشونت خرد شد، ترکمن صحرا و اهواز به خون کشیده شدند، قلمها به دستور «امام» شکسته و مطبوعات بسته شد و حزب کمونیست ایران نیز، به جز در مراحل اولیه و آن هم به طور محدود، هرگز نیروئی به کومه‌له اضافه نکرد، هرگز پایه و پایگاهی در میان کارگران، زنان، دانشجویان، روشنفکران و هیچکدام از اقشار دیگر پیدا نکرد، هرگز در جنبشی ریشه ندوانید، مقاومتی سازمان نداد و منشاء اثری نشد.

در اوائل، رهبری حزب کمونیست دست کم به این ضعف خود آگاه بود و تلاش‌هایی هم برای ترمیم و اصلاح آن به عمل می‌آورد و در این راه مرتباً کومه‌له را همچون الگوی موفق که باید سرمشق تمام حزب کمونیست ایران قرار گیرد، یادآوری می‌کرد. بعدها اما متولیان این حزب که رسیدن روز حساب را نزدیکتر و کارنامه اعمال خود را، سوای فعالیت کومه‌له، خالی و خالی‌تر می‌دیدند و نقدها و پرسش‌های بحق را انتظار می‌کشیدند، به جای پاسخگوئی، خود را هرچه بیشتر در تصورات ایدئولوژیک مایخولیائی غرق کرده و در عجز از ایجاد یک دنیای بهتر، بهشت موعود را به پیروان خود وعده دادند. بدون اینکه حتی انگشتان خود را در میان کارگران ایران تکان داده و توجه کسی را جلب کرده باشند، همه کارگران کشور را در خیال خود عضو به حساب آوردند و برای جهان نسخه پیچیدند. تبیین پویا و واقع‌گرایانه کومه‌له از نقش جنبش‌های اجتماعی در فرایند تحول سیاسی به فراموشی سپرده شد، ضدیت با گفتمان دموکراسی باب شد و بی‌اعتنائی و حتی خصومت با هر جنبش واقعی در ایران و انکار لجوجانه تحولاتی که در جهان پیرامون ما روی می‌داد، نشانه استحکام نظری قلمداد شد. جنبش‌های واقعی و زمینی همگی آلوده تشخیص داده شده و تحقیر و نفی شدند و رهائی، بیش از پیش از یک امر زمینی و دنیوی به محصول یک استعلائی ایدئولوژیک تبدیل شد. تخدیر خود و دیگران جای تدبیر و سیاست‌گذاری روشن را گرفت و تحلیل و بررسی واقع‌گرایانه به فحاشی‌های سطحی و دشمن‌تراشی‌های دائمی تنزل یافت.

نهایتاً و در سال‌های آخر حتی جنبش کردستان از نقطه قوت به آماج حمله و تحقیر تبدیل شد. شانه خالی کردن از بار مسئولیت رهبری این جنبش و حتی تئوریزه و تقدیس کردن این انفعال سیاسی، تجدید نظر در دیدگاه‌های اصولی و شناخته شده کومه‌له در قبال مسأله ملی کرد و نفی نقش و موقعیت کومه‌له در جنبش رهائی‌بخش کردستان، موجودیت و سنت درخشان کومه‌له را تهدید می‌کرد. بنا بود کومه‌له الگوی موفق اجتماعی و مردمی قرار گیرد، اما پیکان تیز حمله کومه‌له و سنت‌های مردمی آن را نشانه گرفته بود. گفتنی است که درست در همین دوره بار سنگین مبارزه دشوار آن سال‌ها علیه سرکوب‌های بیرحمانه دیکتاتوری جمهوری اسلامی در کردستان را نسلی از کادرها، پیشمرگان و فعالان سیاسی در کومه‌له بر دوش داشتند که خدمات و

فداکاری‌ها و سختکوشی‌هایشان هنوز هم صفحه درخشانی از فعالیت کومه‌له و نمونه‌های الهام‌بخشی را برای نسل فعالان جوان کومه‌له تشکیل می‌دهند.

در یک کلام، در سطح کردستان، حزب کمونیست ایران نه فقط خدمتی به کومه‌له نکرد بلکه برای چندین سال کومه‌له را دچار ابتلائاتی کرد و دلسردی‌ها و پراکندگی‌هایی به بار آورد که حتی هنوز هم عواقب آن کاملاً از میان نرفته است. قالب و چهارچوب نظری و سازمانی حزب کمونیست به باری بر دوش کومه‌له و به عاملی برای دوری و به حاشیه راندن آن تبدیل شده بود. جنبه‌های مثبت و مردمی و واقع‌گرای کومه‌له در زیر بار ایدئولوژی و فرهنگ حزب کمونیست ایران زیان می‌دید و جنبش کردستان می‌رفت تا شاهد به محاق رفتن نیروی پیشرو و متعهد خود شود.

حل این معضل جز با خلاصی از چهارچوب‌های نظری و سیاسی حزب کمونیست ایران، بازسازی کومه‌له و قرار دادن مجدد آن بر بنیادهای صحیح ممکن نبود.

## **بازسازی کومه‌له و گشودن افق‌های جدید:**

با پروژه بازسازی کومه‌له، که خود به دنبال سال‌ها بحث و کار نظری و سیاسی در سال 1379 تحقق یافت، سومین مقطع مهم در حیات کومه‌له رقم خورد. در آن مقطع حزب کومه‌له کردستان ایران توانست با بازبینی انتقادی پاره‌ای از دیدگاه‌ها، سیاست‌ها و روش‌های گذشته، که طی سال‌های قبل اتخاذ شده بود، یک بار دیگر جایگاه شایسته خود را در جامعه کردستان و ایران احراز نماید. با این بازسازی، کومه‌له توانست با تکیه بر سنت‌های مردمی و مترقی واقع‌گرایانه خود و با در نظر داشت تحولات جهانی یک بار دیگر مکان شایسته خود را به عنوان حزب پیشرو و نوگرای کردستان، حزبی که قادر به درک و هضم شرائط جدید و تعقیب اهداف و آرمان‌های خود در دنیای نوین و مؤلفه‌های جدید است نزد نخبگان سیاسی و روشنفکری، و نیز جوانان، دانشجویان و فعالان سیاسی تثبیت کند. این بازسازی پر دامنه ایدئولوژیک و سیاسی توانست شور و شوق و امید و اعتماد به نفس تازه‌ای به فعالان با سابقه و دوستان و علاقمندان کومه‌له و همه مردم کردستان ببخشد، پایگاه مردمی آن را هرچه بیشتر توسعه دهد و بار دیگر مکان کومه‌له را به عنوان حزب پیش‌تاز در جنبش کردستان و نیروی فعاله رهبری آن تثبیت کرده و از این طریق راه را برای گسترش افق‌های سیاسی جدید در کردستان باز نماید. سیر رویدادها و تجربه زنده کردستان طی دهه گذشته و به ویژه طی جنبش دموکراسی‌خواهی سال 1388 صحت سیاست‌های کومه‌له را بیش از پیش نشان داده و موقعیت آن را نزد اقشار گوناگون مردم کردستان و نیز فعالان جنبش دموکراسی‌خواهی در سراسر ایران تحکیم بخشیده است.

همان طور که ایجاد و سر برآوردن کومه‌له در شرایط دشوار استبداد سلطنتی از تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بزرگ زمانه خود نشأت گرفته و بیانگر پاسخگویی صحیح به نیازهای اجتماعی و سیاسی بود، همان گونه که مشارکت فعالانه کومه‌له در انقلاب ایران و سپس رهبری جنبش کردستان در آن سال‌ها نشانه درک عمیق و واقع‌بینانه کومه‌له از ضرورت‌های زمان و تشخیص شکل‌های اجتماعاً صحیح مبارزه در آن دوران بود، پروژه بازسازی کومه‌له نیز که پس از چندین سال مطالعه و بحث و بررسی و نقد سرانجام در سال 1379 و در آغاز هزاره جدید با جدا شدن کومه‌له از حزب کمونیست ایران تحقق یافت، از بررسی عمیق شرایط اجتماعی و سیاسی جهانی و منطقه‌ای و بازنگری ایدئولوژیک و سیاسی همه‌جانبه دیدگاه‌های حزب کمونیست ایران و تشخیص صحیح نیازهای اجتماعی و سیاسی دوران اخیر و یافتن راه صحیح پاسخگویی به این نیازها و تشخیص راه صحیحی که کومه‌له و یک چپ اجتماعی واقع‌گرا باید در کردستان بیامیاد ناشی شده بود و نمایانگر ترسیم یک افق سیاسی نوین برای یک کردستان مدرن، دموکراسی‌خواه، حق‌طلب و عدالت‌جو از طرف کومه‌له بود. بازسازی کومه‌له در عین حال به معنای تولدی دیگر برای کومه‌له و آغاز دوره جدیدی از رشد و گسترش نفوذ و بلوغ سیاسی این جریان بود و نقطه درخشان دیگری در حیات ما را تشکیل می‌دهد.

سقوط اردوگاه شوروی و از اعتبار افتادن هرچه بیشتر نظام اجتماعی و سیاسی موسوم به کمونیسم و زیر سؤال رفتن اعتبار اخلاقی آن همراه با از اعتبار افتادن مائوئیسم و الگوی چین، موجب تحولات سیاسی وسیعی در جهان شد و نیروهای مترقی و چپ جهان را به جستجوی راه‌های جدیدی واداشت. کومه‌له هیچگاه اردوگاه موسوم به سوسیالیستی را قبول نداشته و نظام شوروی را الگوی خود نمی‌دانست بلکه بیشتر مظهر یک چپ مستقل و واقع‌گرا بود که نقد نظام شوروی و مرزبندی صریح با استالینیسم را از همان کنگره دوم خود در فروردین 1360 تبیین و آشکارا ابراز داشته بود. این دیدگاه همواره بخشی از بینش سیاسی کومه‌له را تشکیل می‌داد و به همین دلیل نیز برای سال‌ها توسط مدافعان نظام شوروی از قبیل حزب توده مورد شدیدترین دشمنی‌ها و ایراد اتهام‌ها و زدن برجسپ‌ها قرار می‌گرفت، اما سنت و میراث اردوگاه شوروی که خواه ناخواه در سطح جهانی و در افکار عمومی به نام کمونیسم ثبت شده و با آن تداعی می‌شد بیش از پیش به سنت و میراثی مذموم و ناخواسته تبدیل گردیده بود و بر احزاب و گرایش‌های چپ در جهان، از جمله بر منتقدان خود این میراث، سنگینی می‌کرد.

فجایع دوره استالینیسم، محاکمات مسکو و به قتل رساندن بخش اعظم رهبران انقلاب اکتبر، اشتراکی کردن اجباری و تلف شدن‌های دسته‌جمعی و میلیونی مردم و به ویژه دهقانان در این پروسه، دیکتاتوری و شکنجه و برقراری اردوگاه‌های کار اجباری، تبعیض‌های درونی اقوام غیرروس و اجحافات و تبعیض‌ها و سختگیری‌های بیرحمانه نسبت به آن‌ها، فقدان آزادی سیاسی و آزادی بیان و تبدیل شدن مطبوعات و ادبیات به تمجید و تحسین‌های کلیشه‌ای از پیشرفت‌ها و تملق‌گویی مقامات و نظام حاکم، تبدیل احزاب کمونیست کشورهای گوناگون، و به ویژه در کشورهای جهان سوم، به عوامل داخلی پیشبرد سیاست خارجی شوروی و

بسیاری عوامل دیگر موجب شدند که سقوط شوروی با سقوط و بی‌اعتباری کمونیسم نیز تداعی شود. نمونه چین نیز با وجود رشد اقتصادی به خاطر مشکلات بزرگ عدالت اجتماعی، استبداد سیاسی و سیاست خارجی خود بهیچوجه بر اعتبار تجربه کمونیسم نمی‌افزود. افول جریان جهانی موسوم به کمونیسم و افت شدید موقعیت احزابی که با این هویت تداعی می‌شوند در همه کشورهای جهان که امروزه تقریباً به آستانه انقراض رسیده است، یک واقعیت سیاسی جهان معاصر است. بازسازی کومه‌له در سال 2000 میلادی نمی‌توانست و نمی‌توانست این واقعیت جهانی را در نظر نگیرد و مرزبندی خود را با این تجربه جهانی منفی به نام کمونیسم ترسیم نکند.

پایان جنگ سرد، عروج گفتمان دموکراسی و حقوق بشر در جهان، سقوط دیکتاتوری‌ها، انقلاب اطلاعات و ارتباطات، شفافیت سیاسی و نظیر این‌ها، توأم با تحولات فکری و سیاسی داخلی ایران، ورشکستگی الگوی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکمیت اسلامی و از دست دادن هژمونی ایدئولوژیک جامعه توسط نظام اسلامی و غلبه گفتمان دموکراسی و حقوق شهروندی در نخبگان سیاسی و فرهنگی جامعه، تغییر آراء و آرایش در اپوزیسیون جمهوری اسلامی و بالأخره تحولاتی که در جنبش کردستان ایران و در جنبش کرد در کل منطقه حاصل شده بود، ضرورت یک بازنگری را فراهم کرده بود. ادامه چهارچوب‌های تنگ و دکماتیک نظری، سیاسی و سازمانی پیشین ارتباط ما را با تحولات جدید، با نسل جدید و با گفتمان جدید جامعه و جهان بیگانه می‌کرد و کومه‌له را در درون حزب کمونیست ایران به حاشیه می‌راند. برخلاف روح جستجوگر و متدینامیک کومه‌له در گذشته، حزب کمونیست ایران کومه‌له را در پوسته سخت و غیرقابل انعطاف دگم‌هائی اسیر کرده بود که در آن سپهر نه چالش‌ها را به‌درستی می‌شناختیم و قادر به مقابله با آنها می‌شدیم و نه برای بهره‌برداری هوشمندانه از فرصت‌ها توانی در خود باقی می‌گذاشتیم. نه فقط نوگرایی و پیشتازی نظری و سیاسی را از دست می‌دادیم بلکه کاملاً به حاشیه رانده شده و تنها سر در لاک خود کردن و ارتزاق از نوستالژی گذشته برایمان می‌ماند.

کومه‌له با تشخیص و درک این تحولات به یک واریسی مجدد و بازنگری، به یک خوانش نوین و به تطبیق خود با الزامات دنیای نوین نیاز داشت. این بازنگری با خاستگاه و پیشینه کومه‌له، با بستر اجتماعی و پایگاه توده‌ای کومه‌له و اتکای آن به جنبش‌های اجتماعی و حرکت‌های مردمی و نیز با متد فکری و با واقعگرایی سیاسی کومه‌له و با آزادفکری و استقلال نظری آن کاملاً خوانائی داشت. بازسازی کومه‌له در واقع به معنای بازروپاندن کومه‌له بر ریشه‌های اساسی و تاریخی خود و بر بهترین سنت‌های مردمی و طرز فکر پویا و اجتماعی و در عین حال تطبیق خود با مهمترین تحولات جهانی و داخلی و تلاش برای پیشبرد روح اساسی آرمان‌های کومه‌له در چالش‌ها و فرصت‌های زمانه نوینی بود که در آن بسر می‌بریم.

## اهداف و سیاست‌های کومه‌له:

حزب کومه‌له کردستان ایران حزبی است سوسیالیستی و معتقد به عدالت اجتماعی که علیه نابرابری‌ها و بیعدالتی‌های اجتماعی پیکار می‌کند. کومه‌له خود را در درجه اول بیانگر و مدافع حقوق و منافع کارگران و حقوق‌بگیران کم‌درآمد، زنان، جوانان و اقشار تحت ستم جامعه می‌داند و برای تأمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن‌ها و برای قرار گرفتن آنان در موقعیت مساعدتر جهت تأمین و تحقق این حقوق در جامعه و تأمین حق مشارکت همگانی در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی تلاش می‌کند. کومه‌له تلاش برای تأمین عدالت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های برابر، قانون کار مترقی، آزادی تشکل‌ها و نهادهای صنفی، سازمان‌یابی آزادانه و مستقل کارگران از جمله حق ایجاد اتحادیه‌های کارگری، تأمین بیمه‌های اجتماعی و از جمله بیمه بیکاری، خدمات پزشکی برای همگان، فراهم آوردن امکانات تحصیلی رایگان و از جمله تحصیل به زبان مادری برای همه کودکان و جوانان ایران و دفاع از حقوق و تأمین امکانات رشد و تفریح آنان را از وظائف خود می‌داند. کومه‌له در حال پیوستن به انترناسیونال سوسیالیست بوده و خود را به این قطب اجتماعی و سیاسی در جهان نزدیک می‌داند.

دفاع پیگیر از دموکراسی و حقوق مردم و احترام به آن‌ها، در مرکز توجه قرار دادن جنبش‌های اجتماعی بعنوان عامل اصلی تحول اجتماعی، بها دادن به ابتکارات مردمی و شکوفا کردن و پروردن آن‌ها، تأکید بر روی عدالت اجتماعی و حقوق کارگران و مردم کم‌درآمد، سازش‌ناپذیری و ایستادگی بی‌ترلز در مقابل رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی، پیگیری در مبارزه برای حقوق ملی خلق کرد و پیشسازی در طرح راه‌حل‌های نوین در این زمینه، شناسه‌های اساسی کومه‌له و خط آن را در کردستان تشکیل می‌داده است. هزاران نفر در صفوف کومه‌له در راه تحقق برای این آرمان‌های عادلانه جان باخته‌اند.

حزب کومه‌له کردستان ایران به‌ویژه بر روی دموکراتیزه کردن کامل زندگی سیاسی و اجتماعی در جامعه ایران تأکید می‌کند و در این راستا برای جدائی کامل دین از دولت، برابری کامل حقوق زن و مرد، آزادی‌های کامل سیاسی، آزادی بیان و مطبوعات، آزادی احزاب، تشکل‌ها و اتحادیه‌های صنفی، قانون اساسی دموکراتیک، مدرن و مترقی، رفع ستم و تبعیضات ملی، اتنیک، زبانی، جنسی، مذهبی و عقیدتی مبارزه می‌کند. کومه‌له بر آن است که بدون حل دموکراتیک معضل تبعیضات ملی و قومی و زبانی و مذهبی در ایران، تحقق دموکراسی پایدار و واقعی در کشور ناممکن بوده و لذا به این منظور خواهان یک نظام فدراتیو است که در آن از جمله ملت کرد در کردستان ایران بتواند اداره امور خود را از طریق ارگان‌های منتخب خود به عهده بگیرد. در رابطه با ساختار سیاسی آینده دولت در ایران کومه‌له از یک نظام دموکراتیک، سکولار، متکثر و فدراتیو دفاع می‌کند.

کومه‌له حتی قبل از بر سرکار آمدن جمهوری اسلامی با گرایش اسلام سیاسی بنیادگرایی که بیش از سی سال است بر سر کار می‌باشد مخالف بوده و در تاریخ کردستان به حزب قاطع و بی‌ابهام در این رابطه شهرت یافته و هرگز کوچکترین سازشی با رژیم جمهوری اسلامی و بنیادهای فکری و سیاسی آن نداشته و ندارد. اکنون نیز کومه‌له کماکان رژیم جمهوری اسلامی را دشمن اصلی مردم ایران و مردم کرد و مانع اصلی در راه توسعه و پیشرفت و آزادی می‌داند و برای برچیدن کامل این رژیم به نیروی مبارزه متحدانه مردم آگاه تلاش می‌کند. حزب کومه‌له کردستان ایران بر این باور بوده و هست که ایجاد یک ائتلاف فراگیر دموکراسی‌خواهی در ایران بر پایه توافق بر روی یک منشور دموکراتیک، چه برای تحقق هدف تغییر نظام و چه برای دموکراتیزه کردن ایران آینده پس از جمهوری اسلامی، ضروری است و کومه‌له با حفظ مواضع خود در این راه تشریک مساعی می‌کند.

کومه‌له حزب پیشتاز جنبش رهایی‌بخش ملت کرد برای کسب آزادی و حقوق مشروع سیاسی و فرهنگی خود می‌باشد و به دنبال یک دهه فعالیت زیرزمینی بسیار سخت و پرافتخار در دوره رژیم سلطنتی و سپس از انقلاب ایران تاکنون بیش از سی سال است که در این جنبش و در رهبری آن فعال بوده و از این پس نیز خود را متعهد به تقویت و به پیروزی رساندن آن می‌داند. کومه‌له از همان ابتدای تأسیس خود در سال 1348 به-روشنی بر حق تعیین سرنوشت ملت کرد تأکید داشته و در زمینه تأمین حقوق ملی خلق کرد و طرح برنامه برای آن در صف مقدم شرکت داشته است. کومه‌له اولین حزبی در کردستان ایران بوده است که فدرالیسم را به برنامه حزبی خود تبدیل کرده که با پذیرش و استقبال افکار عمومی روبرو شده و به خواسته اصلی مردم کردستان تبدیل شده است و به عنوان یک ساختار مقبول و منطقی برای آینده ایران نیز دارد جایگاه خود را در بین نیروهای سیاسی کشور باز می‌کند. کومه‌له از گسترش دامنه خوداگاهی ملی کردها به مناطق جنوبی‌تر کردستان ایران همچون کرمانشاه و ایلام استقبال می‌کند و برای تحکیم همبستگی بین همه مناطق کردنشین تلاش می‌ورزد.

کومه‌له خواهان حل مسالمت‌آمیز مسأله کرد بوده و برای تحقق چنین امری در آینده تلاش خواهد کرد، اما همواره حق مشروع مردم کردستان برای مقاومت و دفاع از خود در برابر زورگویی و سرکوب‌های قهرآمیز و نظامی را به رسمیت می‌شناسد، کما اینکه مقاومت مردم کردستان را در مقابل یورش ناموجه و تجاوزکارانه جمهوری اسلامی کاملاً برحق و ضروری و از صفحات درخشان مبارزات خلق کرد می‌داند.

کومه‌له از زاویه منافع خلق کرد و جنبش برحق آن در راه شناساندن منطقه‌ای و جهانی این جنبش و نشان دادن چهره دموکراتیک و حق‌طلبانه آن به جهان تلاش می‌کند و این را از وظایف خود می‌شمارد.

کومه‌له از مبارزات عادلانه مردم کرد در سایر بخش‌های کردستان به گرمی پشتیبانی می‌کند و ضمن ابراز همبستگی و آمادگی برای تبادل نظر و همکاری با احزاب سیاسی و نهادهای آنان، دخالت در امور داخلی

یکدیگر را رد می کند و معتقد است که دخالت‌های نامسئولانه تا بحال جز تیره کردن روابط بین احزاب کرد نتیجه‌ای نداشته و سرانجام از طرف جامعه نیز پذیرفته نشده و پس زده خواهد شد.

کومه‌له حزب جنبش‌های اجتماعی و ابتکارات مردمی است و در درون جنبش کردستان نیز با مهمترین مقاطع جنبش مردمی در سه دهه اخیر تداعی می‌شود. کوچ تاریخی مریوان، اتحادیه‌های دهقانان، اتحادیه‌های کارگری، «جمعیت‌های دفاع از آزادی و حقوق خلق کرد» در شهرهای کردستان، «بنک‌ها» و شوراهای محلات سنندج، شوراها و سایر نهادهای مردمی در شهرها و روستاهای کردستان، اتحادیه معلمان، تشکل‌های دانشجویان و دانش‌آموزان، تشکل‌های زنان و بسیاری حرکت‌های مردمی و تشکل‌های اجتماعی و مدنی از سال‌ها پیش به عنوان بخشی از نوآوری‌های کومه‌له در جامعه کردستان شناخته شده و به یکی از شناسه‌های کومه‌له تبدیل شده است. جنبش اعتراضی گسترده شهرهای کردستان در تابستان سال 1384 و نیز اعتصاب عمومی موفق اردیبهشت ماه سال 1389 در اعتراض به اعدام‌ها نمونه‌های برجسته دیگری از ظرفیت بالای جنبش کردستان و نیز از نقش مؤثر کومه‌له در بسیج مردمی است. امروز و در شرایط جهانی و منطقه‌ای جدیدی که با آن مواجهیم، کومه‌له تلاش می‌کند کاملاً خود را با جنبش‌های اجتماعی، جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش‌های مدنی گوناگون، عجین کرده و به همکار و مدافع و مبین اصلی آن‌ها در کردستان تبدیل کند.

کومه‌له همواره بر روی خط دموکراسی‌خواهی در درون خود کردستان تأکید کرده و بر این باور بوده است که کردستان آزاد باید نه فقط از ستم ملی بلکه همچنین از استبداد و دیکتاتوری در درون خود نیز آزاد باشد. کومه‌له مدافع اصلی دموکراسی‌خواهی و حقوق شهروندی مردم در کردستان را تشکیل می‌داده و بهای سنگینی نیز برای آن پرداخته است.

کومه‌له طی دهه‌های گذشته حزب مبارزه برای آزادی زنان و حقوق آن‌ها بوده است. دفاع جسورانه از حقوق زنان، قائل شدن نقش پیش‌تاز برای زنان و سپردن مسئولیت‌هایی به آنان که سنتاً به مردان تعلق داشت و درنوردیدن بسیاری از محدودیت‌هایی که در آن دوره حتی برای بسیاری از احزاب اپوزیسیون خط قرمز محسوب می‌شد، بخشی از سنت‌هایی است که به ابتکار کومه‌له در کردستان باب شد. از جمله کومه‌له اولین حزبی در همه کردستان بود که نیروی پیش‌مرگ زن را در مقیاس وسیع سازمان داد و مسئولیت‌های سیاسی و سازمانی حساس به آن‌ها سپرد بنحوی که در نظر مردم کردستان در آن سال‌ها صرف وجود حضور گسترده زنان پیش‌مرگ یکی از شناسه‌های کومه‌له شده بود. مبارزه علیه سنت‌های گذشته‌گرایانه و تحقیرآمیز علیه زنان، تلاش برای زدودن همه آثار تبعیض علیه آنان، لغو همه قوانینی که زن را در موقعیت حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی فرودستی قرار می‌دهد و تأمین برابری حقوق زنان از وظائف اساسی کومه‌له شمرده می‌شود. کومه‌له برآن است که بدون آزادی و برابری کامل زنان نه دموکراسی، نه حقوق بشر، نه جنبش کردستان و نه سوسیالیسم معنای واقعی خود را نخواهند یافت.

کومه‌له حزب مدافع جامعه مدنی و متکثر و فرهنگ پیشرو در کردستان و تجلی آرمان‌های آزادی‌خواهانه و دموکراتیک و نوگرایانه مردم کرد است. کومه‌له با سنت‌های عقب‌افتاده و زیانبار که به‌ویژه علیه زنان و کودکان و اقشار ضعیف جامعه عمل می‌کند مخالف بوده و از راه قانونگزاری و نیز از راه توضیح و روشنگری و آموزش و تغییر فرهنگ جامعه برای زدودن آن‌ها می‌کوشد.

ایران و کردستان در آستانه فاجعه‌های زیست‌محیطی هستند. کومه‌له مدافع پیگیر حفظ و نگهداری مسئولانه محیط زیست و خواهان استفاده بهینه از منابع طبیعی کردستان، همچون آب و خاک و جنگل‌ها و منابع سرشار زیرزمینی، با دید زیست‌محیطی بلندمدت در خدمت امروز و فردای مردم کردستان است و ائتلاف و بی‌توجهی و غارت رایج کنونی این منابع را برنمی‌تابد.

حزب کومه‌له کردستان ایران بر آزادی همه مذاهب و بی‌طرفی دولت نسبت به همه مذاهب تأکید می‌کند. تأکید بر این مسأله بویژه با توجه به تبعیضات مذهبی جمهوری اسلامی اهمیت‌ی دوچندان پیدا کرده است. باورهای دینی و یا عدم باور به آن‌ها امر شخصی هر فرد و از تعرض دولت مصون است. سنی، شیعه، یارسان، مسیحی، بهائی و سایر ادیان و مذاهب در کردستان آزاد خواهند بود و اجحاف و تبعیض مذهبی و نیز دشمنی و نفرت‌پراکنی مذهبی که میراث ارتجاعی جمهوری اسلامی است باید با خود این رژیم به زباله‌دان تاریخ افکنده شود.

کومه‌له به منظور تقویت دموکراسی و گرایش‌های دموکراسی‌خواهانه، از همه جنبش‌های دموکراتیک، جنبش کارگری، زنان، دانشجویان و سایر جنبش‌های اجتماعی مترقی پشتیبانی می‌کند و در عین حال خود را مجاز می‌داند که علیه دیکتاتوری حاکم و به منظور برچیدن این رژیم، ضمن حفظ استقلال و در راستای اهداف خود در صورت لزوم در ائتلاف‌های سیاسی شرکت نماید.

کومه‌له منشور جهانی حقوق بشر را به رسمیت شناخته و برای تبدیل آن به مبنائی برای زندگی و تعامل حکومت و مردم در سراسر ایران و از جمله در کردستان تلاش می‌کند. کومه‌له در همین راستا از لغو مجازات اعدام پشتیبانی کرده و خواهان گنجاندن آن در قانون اساسی آینده ایران است.

کومه‌له بر تکثر و پلورالیسم در ایران و در کردستان به عنوان یکی از فرآورده‌های رشد و توسعه اجتماعی و ورود به مدرنیته در جامعه تأکید می‌کند، به آن احترام می‌گذارد و خود را حافظ آن می‌داند و بر این باور است که بازگشت به دوره انحصارطلبی‌های حزبی و نظام‌های تک‌حزبی نه ممکن و نه مفید است و جامعه را از شکوفائی سیاسی و فکری و رقابت‌های سالم باز می‌دارد. در چنین شرائطی، امر وحدت مبارزاتی مردم کردستان، که همچنان از اهمیت حیاتی برخوردار است، باید از طریق همکاری و ایجاد اتحادها و ائتلاف‌های سیاسی و جبهه‌های کردستانی تأمین و این خلاء بزرگ پر شود.

براساس همین طرز فکر، کومه‌له مانند همیشه به کار بردن خشونت در رقابت‌های آزادانه سیاسی و از جمله در رابطه با احزاب و گروه‌های سیاسی جنبش کردستان را رد می‌کند و بر آن است که خدمات گذشته کومه‌له

در دوره‌های سخت جنبش هرچه بوده باشد و هراندازه جای قدردانی از طرف جامعه باشد، نهایتاً سرنوشت سیاسی کردستان را باید انتخاب مردم و صندوق‌های رأی تعیین کنند. کومه‌له مانند همیشه تعلقات حزبی و سیاسی کلیه شهروندان را محترم می‌شناسد و برآن است که انتخاب راه سیاسی و حزب سیاسی و از جمله پیوستن به این و یا گسستن از آن حزب باید امری آزادانه باشد. برخوردهای خشونت‌آمیز باید از طرف همه احزاب و ترجیحا در یک سند مشترک رد شود و با تعهد بر روی منشور مشترک راه برخوردها و جنگ‌های داخلی در کردستان برای همیشه بسته شود. با توجه به سابقه مبارزه مسلحانه و مسلح بودن احزاب کرد، که خود ریشه در مقاومت مشروع و برحق خلق کرد در برابر ستم و سرکوب دارد، باید ازهم اکنون باتلاش مشترک موازین یک جامعه مدنی، دموکراتیک و قانون‌مدار را در کردستان تدوین و تصویب کرد و همه موانع راه توسعه و شکوفائی سیاسی و فرهنگی آینده کردستان را از هم اکنون برطرف نمود.

کومه‌له سال‌هاست که تلاش برای ایجاد یک جبهه متحد کردستانی در میان احزاب و نهادها و شخصیت‌های کردستان را یکی از اولویت‌های سیاست خود قرار داده و برای آن تلاش می‌کند. گرچه این وجهه نظر اکنون مدتهاست که به خواست عمومی خلق کرد تبدیل شده است، اما متأسفانه خلاء وجود آن به جای خویش باقی است و کومه‌له کماکان بر این فراخوان و حمایت از آن تأکید می‌کند و تحقق آن را یکی از ابزارهای مؤثر مردم کرد در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و نیز در خدمت تثبیت خواست‌های ملی کردها و تحکیم موقعیت سیاسی آن‌ها در ایران می‌داند.

کومه‌له سیاست دشمنی با جهان و از جمله غرب‌ستیزی کورکورانه و گذشته‌گرایانه غالب شده توسط اسلام سیاسی بر ایران را رد می‌کند و ضمن تکیه بر استقلال سیاسی معتقد است که تعامل سازنده با جهان و بویژه با همسایگان باید مبنای سیاست خارجی ایران باشد.

حزب کومه‌له کردستان ایران سیاست خارجی ماجراجویانه رژیم جمهوری اسلامی، پشتیبانی از تروریسم و صدور آن به منطقه و جهان، تحریک اختلافات و دشمنی مذهبی در منطقه خاورمیانه، ایجاد تشنج و ناامنی در منطقه و نیز تلاش جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را رد می‌کند و رژیم حاکم را در انزوا و ایجاد محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی و تکنولوژیک بر ایران مقصر می‌شناسد. کومه‌له تأکید می‌کند که به جای چهره خشونت‌گرا، تشنج‌طلب و خرافه‌پروری که جمهوری اسلامی از ایران به دست داده است، یک ایران دموکراتیک، از لحاظ اقتصادی نیرومند و از لحاظ فرهنگی پیشرو می‌تواند تمام منطقه را به شیوه مثبت تحت تأثیر قرار داده و بیشترین امنیت و آسایش را برای مردم کشور نیز فراهم سازد.

از نظر ما تأمین توسعه اقتصادی پایدار توأم با عدالت اجتماعی و حفظ محیط زیست سیاست اقتصادی صحیح برای ایران را تشکیل می‌دهد. برطرف کردن عقب‌ماندگی‌های کردستان که از یکسو ناشی از تبعیض طولانی مدت در زمینه سرمایه‌گذاری و برنامه‌های عمرانی و توسعه اقتصادی و از سوی دیگر محصول فساد و سوء مدیریت بوده است باید در اولویت قرار بگیرد.

